

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center

Issue # 54

Parshat Ha'azinu, 5787
7 Tishrei, 5787
Sept. 18, 2026

Issue # 55

Erev Yom Kippur, 5787
9 Tishrei, 5787
Sept. 20, 2026



Friday, Sept. 18, Light Shabbat Candles, by 6:37 p.m.
Saturday, Sept. 19, Shabbat ends at 7:39 p.m.

Sunday, Sept. 20, Light Yom Kippur Candles, by 6:34 p.m.
Monday, Sept. 21, Yom Kippur ends at 7:36 p.m.
(Times are for Los Angeles)

IN LOVING MEMORY OF OUR DEAR MOTHER
Mrs. Homa Taj Esther bat Asher ע"ה Cohen
Passed away on Yom Kippur - 10 Tishrei, 5756

ת. נ. צ. ב. ה.

*

DEDICATED BY HER CHILDREN שיחיו

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

E-Z Office Machines
LA's Easy Office Solution

In Business Since 1990

**SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

**ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY**

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY
Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
<http://www.cpycenter.org>
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

& Moshiach Awareness Center,
a Project of:
Enlightenment For The Blind, Inc.
602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.torah4blind.org>
e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

هَازینو

پاراشای هَازینو باین کلمات مُشه رینو شروع میشود. "ای آسمانها گوش کنید ... و ای زمین بشنو..." میدراش با توجه به استفاده از کلمات بالا می گوید که اینطور بنظر می آید که مُشه با حالت بسیار خودمانی و نزدیک با آسمان صحبت می کند. در حالیکه از نوع کلمه ای که برای زمین بکار برده است بنظر می آید که او از زمین بسیار دور است. در یشعیا تقریبا عکس این کلمات بکار رفته است. "ای آسمانها بشنوید و ای زمین گوش کن". در اینجا نوع کلماتی که استفاده شده نشان دهنده نزدیکی یشعیا به زمین و دور بودنش از آسمان می باشد. یک فرد یهودی کدامین طریق را باید انتخاب کند. آیا او می بایست بدنبال روحانیت بوده و از مسائل زمینی دوری کند؟ و یا او می بایست همچون یشعیا خانه روحانی خود را در مسائل زمینی بیابد؟ این پاراشا دارای چگونه اهمیتی است که در ده روز تشووا و روزهای بعد از کیپور خوانده میشود؟ روزهایی که بالاترین لحظات در خود آزمایی روحانی زندگی ما هستند.

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

۱- نزدیکی و دوری

در میدراش^۱ آمده است که مُشه رینو به آسمان نزدیک و از زمین دور بود به همین علت است که او می گوید "ای آسمانها گوش کنید تا سخن بگویم و ای زمین کلام دهان مرا بشنو" کلمه گوش کردن حالت نزدیکی و کلمه شنیدن حالت دور بودن را می رساند. به طریق مشابه در میدراش آمده است که یشعیا از آسمان دور و به زمین نزدیک بود برای آنکه از کلماتی برعکس کلمات بالا استفاده می کند "ای آسمانها بشنوید و ای زمین گوش کن"^۲ و این اختلاف در استفاده از کلمات تعجب آور است. . تورا به معنای "آموزش" است و تمامی کلمات آن برای هر فرد یهودی آموزنده می باشد.^۳ زمانی که مُشه رینو می گوید "ای آسمانها گوش کنید... و ای زمین بشنو". به طور ضمنی به ما این موضوع (پیام) را آموزش می دهد که هر فرد یهودی می بایست کوشش کند که خودش را به آسمان نزدیک کرده و از محدودیت های زمینی دور کند. چنانچه یشعیا که یکی از بزرگترین پیامبران ماست نتوانسته^۴ است به این مرحله برسد چگونه است که تورا از ما این انتظار را دارد؟ و اگر نزدیکی به آسمان

۱- سیفری ابتدای هازینو - زوهر هازینو ۲۸۶ ب ۲- یشعیا ۱۰۲ ۳- زوهر بخش سوم ۵۳ ب

۴- یلقوت یشعیا رمز ۳۸۵

در واقع در دسترس همه یسیرا ئل ها می باشد ۵ پس چگونه است که یسعیا به چنین مرحله ای نمی رسد؟

این موضوع ما را بیشتر به تعجب و ا می دارد چرا که - آنگونه که میدراش ۶ می گوید - کلمات یسعیا ادامه کلمات مُشه بوده و او این کلمات را در حالی عنوان کرده است که تحت تاثیر مستقیم مُشه قرار داشته است . پس بنابراین برای یسعیا رسیدن به مقام مشه بسیار ساده تر و قابل دسترس تر بوده است تا برای ما.

به این ترتیب ما اجباراً به این نتیجه می رسیم که یسعیا نسبت به مُشه در درجه پائین تر معنوی نبوده بلکه حتی در درجات بالاتری از معنویت نسبت به او (در زمانی که این مطلب را عنوان کرده است) قرار داشته است . در این حالت یسعیا از آن نقطه ای که مُشه کلامش را تمام می کند آنرا شروع کرده و ادامه میدهد. با وجود رسیدن به درجات بالای روحانی همچون مُشه یعنی نزدیکی به آسمان ، یسعیا پیامبر هنوز این قدرت را داشت که به مقامات بالاتر روحانی برسد یعنی "نزدیک به زمین". و از آنجا که کلمات یسعیا نیز قسمتی از تورا است این کلمات نیز پیام عمومی و کلی برای هر فرد یهودی به همراه دارند.

ما همچنین این مطلب را ۷ باید درک کنیم که از آنجا که هر پاراشایی از تورا با زمانی که آن پاراشا خوانده می شود در رابطه است . این کلمات تورا و ادامه آنها در یسعیا با زمان مابین روش هسانا و سوکوت که این پاراشا در آن زمان خوانده میشود ارتباط مخصوص دارد.

۲- روزهای گریه

ربی یسحاق لوریا - آری ۸ می گوید هر آنکس که در این ده روز تشوا اشک نریزد و گریه نکند روح او به درجه کمال نرسیده است و معنای ساده ۹ این مطلب این است که در مدت این ده روز خداوند به هر فرد یهودی بسیار نزدیک است . همچون "منبع نور به جرقه و ذره ای از نور" ۱۰ .

چنانچه حتی در چنین روزهایی اشکهای "تشوا" از چشمان یک فرد یهودی جاری نشود این نشان دهنده آن است که روح چنین شخصی دارای نقص و کمبود است و هیچ چیز نمی تواند او را بیدار کند تا به منبع اصلی اش برگردد یک چنین شخصی از هدف اصلی زندگی خود بسیار دور افتاده است.

۵-تیا بخش اول فصل ۴۲ ۶-سیفری، یلقوت، هازینور مز ۹۴۲ ۷-رجوع شود به شالوه آغاز ویشو، اوره تورا آغاز نیصولیم

۸-پیری ائص خنیم شعر هشوفاو فصل ۵ ۹-روش هسانا ۱۸ الف -رمبام هیلخوت تشوا ۲۰

۱۰-درخ خنیم ۱۳، ۲۱، ب، ۹۱، الف

هیچگونه تعهدی ندارد که خواسته ما را انجام دهد و به ما بدهکار نیست . بنابراین عدالت اینگونه حکم می کند که ما نیز موظف هستیم حتی اگر چه به هیچ عنوان به دیگران بدهکار نیستیم از مال خود به آنها بدهیم. به این ترتیب ما پاداش خود را برحسب عملی که می کنیم می گیریم. از آنجا که ما بدون قید و شرط به دیگران می دهیم، خداوند نیز برکاتش را همینگونه به ما بدون قید و شرط ارزانی می کند.

این موضوع بخصوص در مورد دادن صداقا به انجمن ها و مؤسساتی است که تورا در آنها تدریس می شود. بخاطر آن که هر فردی که در این مؤسسات تعلیم می گیرد در واقع همچون زیربنا و اساس جامعه بزرگ یهودیت می باشد و در آینده راهنمایی خواهد بود برای نسل های بعد. و این حاصل صداقایی است که او می دهد.

۵ - سه طریق

این سه مورد راه هایی هستند که به سالی پر از برکت و خوبی برای ما منتهی می شوند. با برگشت به اصل و ذات و بنیان اصلی خود (تشووا) و با وصل کردن، برقراری ارتباط با خداوند (تفیلا) و با دادن مال و دارایی خود به دیگران (صداقا) ما برکات روش هسانا را به برکات حاصل از یوم کیپور وصل می کنیم.

به امید سالی پر از شیرینی و فراوانی.

(منبع: لیکوتی سیخوت. فصل ۲ صفحات ۴۱۱ - ۴۰۴)

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 2, pp. 409-411)

شده و نو و تازه بشود و این وظیفه تفیلاست و برای هر فرد یهودی لازم و ضروری است. چرا که در حالیکه ممکن است اشخاصی باشند که چیزی کم ندارند و بنابراین احساس می کنند که احتیاجی نیست که درخواستی از خداوند داشته باشند، انسانی وجود ندارد که احتیاج به نزدیکی به منبع زندگی و آفرینش را احساس نکند.

۴ - صداقا، کمک و دستگیری

کلمه معادل برای دستگیری و کمک از بینوایان، کلمه صداقا نبوده بلکه "خسید" می باشد و این دو کلمه نیز دارای معانی مخالف با یکدیگر هستند. خسید، کمک و یاری به دیگران که معادل انگلیسی آن:

Charity

می باشد، از یک طرف این مفهوم را می رساند که گیرنده این کمک دارای حق و امتیازی نسبت به این کمک نمی باشد و از طرف دیگر ارائه دهنده این کمک و یاری نیز اجبار و الزامی در ارائه این کمک ندارد. او این کمک را به خاطر خوبی قلب خودش، با گشاده رویی و با دست باز به دیگران عرضه می کند. این عمل او در واقع از نوعی تقوی و حسن نیت او حاصل می شود و نه از روی انجام وظیفه.

از طرف دیگر صداقا به معنای پرهیزکاری، صداقت و یا عدالت است و به طور ضمنی این مفهوم را می رساند که دهنده آن، وظیفه اش را انجام می دهد. به خاطر آن که اولاً: همه چیز این جهان در نهایت، متعلق به خداوند است. تعلق انسان به دارایی اش برحسب حق الهی او نمی باشد. بلکه آنها به وسیله خد- اوند برحسب اطمینان به او واگذار شده اند و یکی از شرایط این واگذاری آن است که او می بایست آنها را به کسانی که به آنها احتیاج دارند بدهد. ثانیاً: انسان موظف است همانگونه که انتظار دارد خد- اوند نسبت به او رفتار کند، نسبت به دیگران رفتار نماید. و همانگونه که ما به خودمان این حق را می دهیم که از خد- اوند درخواست برکت کنیم، خد- اوندی که

آری با عنوان این مطلب که "هر کسی که اشک نریزد" اشاره می کند که این موضوع برای همه حتی برای افراد صدیق کامل هم صادق است. اما گناه و خطاست که باعث گریه انسان در موقع تشووا می شود و شخص صدیق کامل هرگز گناه و خطا نمی کند. چطور ما انتظار داریم که او تشووا کند تا آنجا که اگر گریه هم نکند میگوئیم روح او کامل نیست و روحانیت او به درجه کمال نرسیده است؟

عقیده آری را ما بهتر می توانیم در مورد شخص "بینونی" درک کنیم. شخص "بینونی" کسی است که هنوز علاقه به گناه را از خود دور نکرده است اگر چه این علاقه همواره در او به حالت سرکوب نگاه داشته شده است^{۱۱} برای چنین شخصی همواره امکان گناه وجود دارد. از یک چنین شخصی می توان انتظار گریه در یک چنین روزهایی را داشت.

اما برای شخص صدیق کامل که دیگر طبیعتاً خواهان گناه نیست بنظر نمی آید که دلیلی برای گریه کردن و نیازی برای ریختن اشک وجود داشته باشد.

ولی تواضع و فروتنی ممکن است که او را وادار به گریه بکند حتی ربی یوحنا بن زکای هم گریه میکرد و می گفت "زمانی که در جلوی من دو راه وجود دارد یکی بطرف بهشت و یکی بطرف جهنم و من نمیدانم که به کدام راه مرا می برند آیا من نمی بایست گریه کنم؟"^{۱۲} اما چرا آری نمی گوید که آنها می توانند "بعضی اوقات" گریه کنند بلکه گفته است که "آنها باید گریه بکنند؟" آیا شخص صدیق می بایست خودش را خطاکار و گناهکار تصور نموده و به این خاطر گریه کند؟

۳- اشک شادی و اشک غم

آلتریه توضیح میدهد^{۱۳} که آن اشک هایی که آری از آن سخن می گوید اشک های تلخ ناامیدی و غم نبوده بلکه اشک های شادی است همچون اشک های ربی عقیوا. زمانی که او وارد دنیای اسرار الهی میشد^{۱۴} اشک هایی میریخت که تماماً اشک های شادی مطلق بود. اما صدیقیم صرفاً به این خاطر که اشک شادی بریزند گریه نمی کنند. ممکن است بگوئیم که آری به دو نوع گریه متضاد با استفاده از یک کلمه اشاره می کند. اشک شادی افراد صدیق و اشک تلخ افراد معمولی که اولی بیان کننده احساس نزدیکی به خداوند و دومی بیان کننده احساس دوری از خداوند می باشد.

۱۱- احتیاجش اول فصل ۱۲ و ۱۳
۱۲- براخوت ۲۸ ب
۱۳- لیکوتی تورا ۳۷ د
۱۴- میدراش هیلیم وائرا ۹۸ ب

۴- برگشت روح

توضیح این است که تشبیه تنها صرفاً به معنای توبه نمی باشد، چیزی که فقط زمانی که گناهی انجام شده باشد اتفاق می افتد بلکه معنای تشبیه برگشت روح بسوی خداوند^{۱۵} است. "روح بسوی خداوندی که آنرا داده است برمیگردد".^{۱۶}

حتی فرد صدیق که خداوند را با عشق و ترس عبادت می کند تمامی وجودش هنوز به آن مرحله نزدیکی به خداوند که روح قبل تولد تجربه کرده است نرسیده است.^{۱۷} جسم مادی مابین خداوند و روح انسانی فاصله ای را ایجاد می کند که حتی فرد صدیق نیز نمی تواند پلی بر روی این فاصله ایجاد کند و این جدایی عامل غم و غصه و علت گریه و اشک اوست. او حتی در زمانی که در بالاترین درجات روحانی است این فاصله روح از منبع آسمانی خود را احساس می کند اشک های او همچون اشک های آن فرد یهودی با ایمان ساده است که از این فاصله و دوری خود از خداوند آگاه شده است.

۵- اشک های بی خود شدن

اما حتی این جواب نیز کافی نیست چرا که در این حالت شخص صدیق بر آن چیزی گریه می کند که جبريست. و این حقیقتی است که زندگی در غالب جسم فاصله ای مابین خداوند و روح ایجاد می کند که نمی توان آنرا تغییر داد. انسان نمی بایست خودش را بخاطر آنچه که نمی تواند عوض کند و از قدرت و توانایی او خارج است سرزنش کند.

چنانچه شخص صدیق توجه و اندیشه اش متوجه ارضاء روحانی شخص خودش بود، از آنجا که تولد یک ضرر و خسارتی برای روح بشمار می آید. این ضرر و خسارت ممکن بود (بدون آنکه او خود را مقصر بداند) او را به گریه بیاندازد. اما افراد صدیق به خودشان فکر نمی کنند. آنها به آن خواسته خداوند می اندیشند^{۱۸} که روح آنها می بایست در محدودیت های کوچک این دنیا بسر ببرد. پس چگونه است که آری انتظار دارد که آنها نیز می بایست گریه کنند؟

شاید جواب آن باشد که افراد صدیق بخاطر آنکه آنها هنوز ماموریتشان را انجام نداده اند می بایست گریه کنند چرا که هدف از نزول روح آن است که وسیله ای برای آنکه انسان به مراحل بالای روحانی برسد باشد، به حالتی که در آن انسان بطور کامل خودش را نفی می کند و این

طبیعت واقعی انسان.

با این مفهوم در حالیکه برای انسان صدیق احتیاجی به توبه پیش نمی آید و انسان خطاکار ممکن است که نتواند هرگز توبه کند ولی هر دو آنها می توانند و باید تشبیه بکنند.^۱

انسان های صدیق و پرهیزکار اگرچه هرگز خطایی مرتکب نشده اند همواره می بایست سعی و کوشش کنند که به اصل و منشأ اولیه خود برگشت کنند. و بعضی انسان ها اگرچه بسیار از خداوند دور افتاده اند، همواره می توانند برگشت کنند. چرا که تشبیه به معنای ایجاد چیزی نو نمی باشد بلکه به معنای کشف آن ذات خوبی است که همیشه در وجود انسان بوده است.

۳ - تفیلا و دعا

دعا در زبان عبری معادل تفیلا نمی باشد بلکه کلمه معادل آن "بَقاشا" می باشد. این دو کلمه با هم در تضاد هستند. بَقاشا به معنای دعا خواندن، درخواست کردن و التماس کردن است ولی تفیلا به معنای خود را وصل کردن و مرتبط کردن است.^۲

در بَقاشا انسان از خداوند می خواهد که خواسته او را انجام بدهد و هرآنچه که او کمبود دارد را فراهم کند. بنابراین وقتی او احتیاجی به چیزی ندارد و یا احساس می کند که خواسته ای از خداوند ندارد، بَقاشا دیگر بی مورد می شود و لزومی ندارد. اما در تفیلا، انسان سعی می کند که خودش را به خداوند وصل کند و این حرکتی است از پایین، از طرف انسان، به سوی بالا، به طرف خداوند و این حالتیست که برای هر انسانی و در هر زمانی کاربرد دارد و به او مربوط می شود. روح یهودی دارای پیوندیست با خداوند. ولی این روح که در جسم مادی ساکن است اشتغال آن با دنیای مادی، آن پیوند را سست و ضعیف می کند. بنابراین باید این پیوند به طور دائم دوباره تقویت

^۱ - رجوع شود به "کُنترس بیکور شیکاگو" صفحه ۲۳

^۲ - رجوع شود به "راشی، برشیت" ۳۰، ۸. اور هتوراه، وِیخی، ۳۸۰ الف

باشد کاملاً گمراه کننده بوده و ما را منحرف می کنند. با ترجمه واژه های عبری تشووا، تفیلا و صداقا به انگلیسی ما به سوی مفاهیم آنها با آنچه که در دنیای خارج از یهودیت از این واژه ها در اذهان است کشیده می شویم که نادرست است. در واقع تفاوت هایی اساسی مابین آنها موجود است. تشووا، توبه نمی باشد.

(Repentance)

تفیلا، دعا و عجز و ناله نیست و صداقا صرفاً به معنای دستگیری از بینوایان نمی باشد.

۲ – تشووا و توبه

کلمه توبه در زبان انگلیسی:

Repentance

معادل کلمه تشووا نمی باشد بلکه معادل آن کلمه:

" خَرَاتا" می باشد و این دو کلمه تشووا و خَرَاتا نه فقط هم معنی نیستند و بلکه کاملاً دارای معانی متفاوت و مخالف هم هستند.

خَرَاتا به معنای پشیمانی و احساس خطا نسبت به گذشته می باشد و داشتن این هدف که در آینده انسان کاملاً به طریق دیگری رفتار کند. شخص تصمیم می گیرد که انسان تازه ای بشود. اما تشووا بر مبنای برگشت است، برگشت به گذشته و به منبع و طبیعت اصلی انسان. زیربنای مفهوم تشووا این حقیقت است که یک فرد یهودی در اصل و بنیان موجود خوبی است. خواسته ها و وسوسه هایی ممکن است او را به طور موقت از این که خودش باشد و با خودش صادق باشد دور کنند. ولی اعمال بدی که او انجام می دهد قسمتی از طبیعت او نیست و حتی بر طبیعت واقعی او نیز تأثیرات بد باقی نمی گذارد. تشووا به معنای برگشت به ذات و صفت واقعی انسان است. در حالیکه خَرَاتا به معنای رها کردن گذشته و آغاز دوباره می باشد. تشووا به معنای برگشت به ریشه های خدایی وجود انسان است و ظاهر کردن آنها به عنوان

مأموریت زمانی انجام می شود که روح هیچ بودن خودش را درک کرده و حضور فراگیر خداوند را احساس کند. و از آنجا که شخص صدیق ممکن است فکر کند ^{۱۹} که هنوز سفر او در جهت و مسیر این هدف نمی باشد. بنابراین سزاوار است که گریه کرده و اشک بریزد. با این حال اگر حتی بزرگترین مردان روحانی نیز قادر به رسیدن به این مرحله نیستند پس ما چگونه می توانیم بگوئیم که آنها می بایست به این مرحله برسند؟ ما نباید خواهان غیر ممکن باشیم.

حقیقت این است که روح شخص یهودی قسمتی از خداوند است. او می تواند به ورای امکانات روحانی جهان برسد. او گریه می کند و اشک میریزد بخاطر آنکه این گریه و اشک وسیله ایست برای غلبه بر محدودیت های انسانی خودش.

"از میان تنگناها خداوند را صدا کردم. خداوند با گستردگی به من پاسخ داد". ^{۲۰} این احساس هنوز "در تنگنا بودن" پس از رسیدن به تمامی آن درجات روحانی، آنچنان گستردگی روحانی را برای انسان فراهم می آورد که حاصل آن از بین رفتن خودآگاهی انسانی و حل شدن و یکی شدن با الوهیت می باشد.

۶- یکی شدن با خداوند در درون جهان

^{۲۱} و این اهمیت تشووا در این ده روز است. و اگرچه تشووا همیشه مهم است ولی این ده روز زمانی ایست که خداوند در نزدیکترین فاصله خود به انسان قرار دارد. برای آنکه این روزها نه تنها به تشوای انسان طعم روحانی دیگری میدهد بلکه باعث میشود که این حالت تشووا به مراحل بالاتری نیز برسد. تشووا در این زمان صرفاً توبه کردن از گناه نیست بلکه حالت برگشت روح بسوی خداوند و حالت پایان یافتن بیگانگی روحانی ایست. رسیدن به این حالت به انسان این امکان را میدهد که دیگر محدودیت های انسانی خود را جبری و چاره ناپذیر نپندارد. این محدودیت ها می تواند ارتقا یا بدو انسان را دارای قدرت و آزادی روحانی بیشتری کند. و بخاطر رسیدن به این حالت است که سزاوار است که هر فرد یهودی در این روزها گریه کند و اشک بریزد.

زمانی که انسان به این حالت، خود ارتقایی و روحانیت میرسد او یک شکاف و معبری در درون وجود خود ایجاد کرده است. ایجاد این محل عبور تنها زمانی ممکن است که روح در غالب جسم خاکی قرار دارد. انسان در این حالت با بی نهایت در حالیکه در درون نهایت است یکی شده و به

ده روز تشووا

مطالب زیر به طور کلی در مورد مشکلاتی که در ترجمه بوجود می آید می باشد. عمل ترجمه بر این اصل استوار است که برای هر واژه در هر زبانی می توان معادل آن را در زبان دیگر پیدا کرد. اما این مطلب ممکن است همیشه درست نباشد بخصوص زمانی که ما با ایده ها و مطالبی که دارای اهمیت اساسی هستند و مختص به یهودیت می باشند سر و کار داریم. در این حالت ممکن است ما یک عقیده و یا ایده ای مربوط به یهودیت را به واژه ای از فرهنگ دیگر ترجمه کنیم که این دو با هم اصولاً هم معنا نبوده و یا حتی در تضاد با هم باشند و این در مورد سه موضوع مهم که غالباً در این ده روز تشووا با آنها برخورد می کنیم صادق است که در زبان انگلیسی عبارتند از:

Charity, Prayer, Repentance

توبه، دعا و دستگیری از بینوایان می باشند.
امروزه متوجه می شویم که تا چه اندازه آنها با واژه های معادل شان در یهودیت تشووا، تفیلا و صداقا متفاوت هستند.

۱ - عبادت در این ده روز

ما امیدواریم که خد- اوند در روش هشانا ما را با سالی که پر از خوبی و خوشی است برکت کند سالی پرثمر و پر از سلامتی، فرزندان خوب و کار و کسب خوب.

اما از آنجا که برای خوبی و برکت خد- اوند حدی را نمی توان تصور کرد پس بنابراین در این ده روز تشووا ما دارای این موقعیت و امتیاز خواهیم بود که از طریق عبادتمان باعث بشویم که خد- اوند با آن دست گشاده اش هنوز هم برکات بیشتری را به ما ارزانی کند.

و این عبادت چگونه است؟ همانگونه که در تفیلاهایمان می خوانیم این عبادت شامل سه عامل اساسی تشووا، تفیلا و صداقا می باشد. اما کلمات انگلیسی توبه، دعا و دستگیری از بینوایان که ترجمه معادل انگلیسی آنها می

این طریق ثابت می کند که هیچگونه محدودیتی حتی محدودیت های قالب و جسم انسانی نیز نمی تواند مانع از وحدت روحانی انسان با خداوند بشود. و یک چنین اتحادی اصولاً محدودیت پذیر نمی باشد. چرا که او به مرحله اتحاد و یکی شدن با خداوند بدون نفی جهان رسیده است. "از میان تنگناها، (محدودیت ها) خداوند را صدا کردم و از میان این جسم، این دنیای محدود، خداوند با گستردگی به من جواب داد".

۲- شوفار

شوفار زدن در روز روش هشانا نیز به همین معناست. از طریق شوفار (که شکل آن از یک طرف کوچک و محدود و از طرف دیگر بزرگ و گسترده است)، پادشاهی خداوند را اعلام می کنیم. و آنگونه که در تلمود آمده است^{۲۲} خداوند می گوید "در روز روش هشانا وصف پادشاهی مرا بگوئید. پادشاهی مرا یادآوری کنید و شوفار بزنید تا آنجا که مرا بر خودتان پادشاه اعلام کنید. به چه وسیله این پادشاهی اعلام شده و خداوند برانگیخته می شود که پادشاه ما باشد؟ به وسیله نواختن شوفار

درک این مطلب کمی مشکل است بطور طبیعی ابتدا ما می بایست خداوند را به عنوان پادشاه اعلام کنیم و سپس فرمان های او را اطاعت کنیم.^{۲۳} چگونه ما می توانیم از طریق انجام یکی از فرامین او - نواختن شوفار - خداوند را برانگیزانیم که پادشاه ما بشود؟ در حالیکه انجام و اطاعت از خود این فرمان نشان دهنده این مطلب است که او از قبل پادشاه ما بوده است؟

توضیح در تفیلائی است که قبل از نواختن شوفار می خوانیم "از میان تنگناها خداوند را صدا کردم" عامل این تنگناها صرفاً گناهان ما نیستند. بلکه این خود وجود ما است که عامل این تنگناهاست. تا زمانی که ما احساس می کنیم که از خداوند جدا هستیم و تا زمانی که این مطلب حقیقت دارد ما هنوز خداوند را به عنوان پادشاه بر خود قبول نکرده ایم.

اما زمانی که ما در چهار چوب این تنگناها می ایستیم و با این حال "خداوند را صدا می کنیم" ما به مرحله درک ذات الهی و روحانیت رسیده ایم و بزرگی و گستردگی خداوند را به درون زندگی انسانی کشانده ایم. و این معنای برقراری حکومت خداوند است. او پادشاه است در درون و در میان جهان و نه در خارج و ورای آن.

۲۲- رجوع شود به مخیلتا و یلقوت شیمعونی بیترو ۲۰ و ۳

۲۳- روش هشانا ۱۶ الف، ۳۴ ب

اما این فقط مرحله شروع است. او می بایست به مرحله ایی برسد که درک کند "اصل اساسی عمل است و نه مطالعه تنها"^{۲۹} چرا که وظیفه واقعی انسان تغییر دادن جهان برای ساختن محل سکونت برای خداوند است.

برای رسیدن به مرحله دوم وجود نبوت یسعیا لازم می باشد. تورا بوسیله مُشه دریافت شد ولی یسعیا نبوت در مورد آینده و نجات^{۳۰} یسیرا ئل ها را از خداوند دریافت کرد. در آن زمان جهان محل سکونت برای خداوند میشود و همه موجودات خواهند دانست که این تو هستی که آنها را بوجود آورده ای. و^{۳۱} جهان از منبع بی نهایت انرژی الهی پر خواهد شد.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد نهم صفحه ۲۰۴ الی ۲۱۴). (Source: Likkutei Sichot, Vol. 9, pp. 204-214)

۸- محدودیت های جهان و گستردگی آن

ارتباط ما بین پاراشای هَازینو که در آن مُشه و یسعیا یسیرا ئل ها را مورد خطاب قرار میدهند و ده روز تشووا و چهار روز بعد از کیپور^{۲۴} اینک معلوم میشود.

زندگی مذهبی ما در طول سال همواره با مطالبی که مربوط به جهان ماست همچون انجام اعمال میصوت و مطالعه تورا توأم است. حتی دعاها و تفیلاهای مانیز بستگی به شخصیت انسانی، عقل و درک و رفتار انسانی ما دارد.

اما در طول این ده روز "روح بسوی خداوندی که آنرا داده است برگشت می کند." هر فرد یهودی می بایست از محدودیت هایی که جهان بر او تحمیل کرده است آگاه شده و برای رهایی از آنها گریه کرده و اشک بریزد. او می بایست خداوند را صدا بزند و او را بخواهد و تمنا کند که با خداوند یکی بشود.

"انسان آنجایی است که خواسته های او آنجا هستند".^{۲۵} و بوسیله این عمل گریه کردن او خودش را از دست این محدودیت ها رها کرده و به روحانیت نزدیک و از زمین و مادیت دور می کند. خواسته عمیق او نزدیکی به خداوند است و این جایی است که او آنجاست. نزد خداوند. و خداوند "مرا با گستردگی جواب میدهد". که معنای این جواب آن است که خداوند در این جهان حضور می یابد. و این جهان ذات حقیقی خداوند را آشکار کرده بی نهایت وارد دنیای زندگی انسانی می شود و در این زمان است که او خداوند را نزدیک به "زمین و دور از آسمان" می یابد.

۹- یسعیا پیامبر

و این حقیقتی است که تمامی زندگی یک فرد یهودی را در بر می گیرد.

"آسمان" اشاره به تورا و کلام خداوند است. "زمین" اشاره به فرامین خداوند و اعمال انسان^{۲۶} هاست. از طریق مطالعه تورا فرد یهودی به خداوند نزدیک^{۲۷} میشود و از طریق انجام فرامین، او، خداوند را بسوی خود و جهان نزدیک می کند^{۲۸}.

در شروع او می بایست به خداوند نزدیک بشود، قلب و فکر او همواره خواهان و در حال مطالعه تورا باشد و توأم با آن او فرامین و میصوت را هم انجام بدهد.

۲۴- رجوع شود به مقدمه ربای لوبایچ به کونتورس ۹۷ در سفر هَمَعَارِم ۵۷.۹
سیخوت جلد ششم ص ۲۴ زیر نویس ۲۹
۲۶- تورا آور آغاز برشیت و لیکوتی تورا هازینو ۷۴ ب
۲۷- تنیا قسمت اول فصل ۲۳ و فصل ۵
۲۸- تنیا بخش اول فصل ۳۷
۲۵- رجوع شود به لیکوتی